

Journal of the Society for Iranian Archaeology

# مجله جامعه باستان‌شناسی ایران ۴

شماره ۴، پاییز ۱۴۰۲ ❁ VOLUME 4, Autumn 2023





**Publication Director**  
Society for Iranian Archaeology

صاحب امتیاز  
جامعه باستان‌شناسی ایران

**Editor in Chief**  
Mohammad T. Atayi

مدیرمسئول و سردبیر  
محمدتقی عطائی

ایمیل: [josia-publication@googlegroup.com](mailto:josia-publication@googlegroup.com)

**Editorial Staff**

همکاران این شماره

**Production**  
Saeed Baghizadeh  
Hamed Mowlaei

صفحه‌آرایی  
سعید باقی‌زاده  
حامد مولائی

**Editing**  
Tara Dehnavi  
Shaghayegh Mohammadinejad  
Meysam Shahsavari

ویراستاری  
تارا دهنوی  
شقایق محمدی‌نژاد  
میثم شهسواری

**Translation**  
Mehrnoush Soroush  
Amir Homayoni  
Mehrdad Pasandide  
Assef Norozi

ترجمه انگلیسی  
مهرنوش سروش  
امیر همایونی  
مهرداد پسندیده  
آصف نوروزی

**Copy Editing**  
Roonak Ahmadiania  
Zohreh Zehbari  
Hossein Vahedi

نسخه‌خوانی  
روناک احمدی‌نیا  
زهرا زهبری  
حسین واحدی

**Supervisory Committee**  
Nozar Heydari  
Homayoun Khosheghbal  
Sepideh Maziar  
Kourosh Mohammadkhani

هیئت نظارت (به ترتیب حروف الفبا)  
نوذر حیدری  
همایون خوش‌اقبال  
سپیده مازیار  
کورش محمدخانی

مجله جامعه باستان‌شناسی ایران  
Journal of the Society for Iranian Archaeology

VOLUME 4

شماره ۴

Copyright © 2023 Society for Iranian Archaeology

فهرست مطالب

رویداد

- گزیده خبرها و رویدادها (۲) / مهسا آقامیری ..... ۲  
از جهان باستان‌شناسی (۱) / ملیکا صاحب‌خانی ..... ۴

یادداشت و نظر

- چرا نام «موسسه شرقی» دانشگاه شیکاگو تغییر کرد؟ / عباس عزیزاده ..... ۶  
لسبو و معمای سفال‌های لعاب‌دار / علی موسوی ..... ۸  
باستان‌شناسی و حقوق ایرانی / علیرضا غریب‌دوست ..... ۱۶

گزارش

- گزارشی از یک مناقشه هویتی / امیر همایونی ..... ۲۰  
درسی از جدی‌ترین بحران دهه اخیر در موزه بریتانیا / شقایق محمدی‌نژاد ..... ۲۲

مقاله

- جایگاه باستان‌شناسی در گفتمان تاب‌آوری و توسعه پایدار ایران / سپیده مازیار ..... ۲۷  
محوطه پیش از تاریخی رحیم‌آباد پُستروود و نگاهی مقدماتی به منظر فرهنگی بم در هزاره چهارم و سوم پم / نوذر حیدری ..... ۳۵  
پیمان‌نامه شوپیلولوم-شتیوز: شواهد متنی از حضور خدایان هندوآریایی در غرب آسیا در میانه سده چهاردهم پم / سهیل دلشاد ..... ۵۷  
درآمدی بر شیوه‌های تدفین پیشا-اسلامی در استان خراسان جنوبی / محمد فرجامی و علی‌اصغر محمودی‌نسب ..... ۶۹  
قلعه دختر بَجک؛ دژی ساسانی(?) در راه خوزستان و پارس / شهرام زارع، محمدتقی عطائی و کامیار عبدی ..... ۸۹  
شواهدی از 'مسجد سلیمان' در آپادانای تخت جمشید / حامد مولایی کردشولی و یونس زارع ..... ۱۰۴  
بازنگری موقعیت قلعه مهرنگار دامغان / محمد صابر و همایون خوش‌اقبال ..... ۱۲۱  
ضرورت توجه به «باستان‌شناسی شهری»؛ نگاهی به یافته‌های فرهنگی محله پشت‌باروی اصفهان (خانه بخردی) / عقیل عقیلی و سعید قاسمی‌نژاد ... ۱۴۶

نقد و بررسی

- چهار مور: منزلگاهی هخامنشی در دشت دالین (همراه با نقدی بر یک مقاله) / محمدتقی عطائی، شهرام زارع و رضا نوروزی ..... ۱۷۳

یاد

- به یاد سید جواد طباطبائی / علی موسوی ..... ۱۸۷  
در گذشتگان (۳) / شقایق محمدی‌نژاد ..... ۱۸۸

## Contents

<b>Event</b>	
<b>News / Mahsa Aghamiri &amp; Melika Sahebkhani</b> .....	2
<b>Note &amp; Comment</b>	
<b>Cultural and Political Reasons for the Changing of the Name of the Oriental Institute / Abbas Alizadeh</b> .....	6
<b>Lasbu and the Question of Glazed Ceramics / Ali Mousavi</b> .....	8
<b>Archaeology and Iranian Legal Thoughts / Alireza Qaribdoost</b> .....	16
<b>Report</b>	
<b>Archaeology Amidst a Contested Identity / Amir Homayoni</b> .....	20
<b>Learning from British Museum's Worst Crisis in the Last Decade / Shaghayegh Mohammadinezhad</b> .....	22
<b>Article</b>	
<b>Sustainability and Resilience in Iran: A View from Archaeology / Sepideh Maziar</b> .....	27
<b>The Prehistoric Site of Rahimābād-e Poshtroud and a Preliminary View to the Cultural Landscape of Bam in the 4<sup>th</sup> and 3<sup>rd</sup> Millennium BC / Nozar Heydari</b> .....	35
<b>Persian Translation of the Šuppiluliuma-Šattiwazza Treaty: Textual Evidence of Indo-Aryan Gods in West Asia during the Mid-Fourteenth Century BC / Soheil Delshad</b> .....	57
<b>An Introduction to pre-Islamic Burial Traditions of the Khorāsān South Province, Iran / Mahmmad Farjami &amp; Aliasghar Mahmoodi Nasab</b> .....	69
<b>Qal'eh Dokhtar Bajak; A Sassanain(?) Fortress on the Way from Khuzestan to Fars/ Shahram Zare, Mohammad T. Atayi &amp; Kamyar Abdi</b> .....	89
<b>The Evidence of Solomon's Mosque in the Apadana Hall, Persepolis / Hamed Mowlaei &amp; Younes Zare</b> .....	104
<b>The Location of Mehrnegār Fortress of Dāmghān Revisited / Mohammad Saber &amp; Homayoun Khosheghbal</b> .....	121
<b>The Necessity for Urban Archaeology: Cultural Material Recovered from the Posht Bāro Quarter, Isfahān (Bekhradi House) Aghil Aghili &amp; Saeed Ghaseminezhad</b> .....	146
<b>Reviews</b>	
<b>Chāhār Mour: An Achaemenid Road Station in the Dālin Plain (With a ReviewArticle)/ Mohammad. T. Atayi, Shahram Zare &amp; Reza Noruzi</b> .....	173
<b>Remembrance</b>	
<b>Remembering Seyyed Javad Tabatabaee / Ali Mousavi</b> .....	187
<b>Obituaries / Shaghayegh Mohammadinezhad</b> .....	188

## شواهدی از 'مسجد سلیمان' در آپادانای تخت جمشید

حامد مولایی کردشولی

پایگاه میراث فرهنگی ارجان و چگا سفلی

یونس زارع

پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

**چکیده:** بر چند جای از درگاه سنگی شمال غربی کاخ آپادانای تخت جمشید، خطوط و نقوشی از دوره اسلامی کشف شده است. این کتیبه‌ها و نقوش در بررسی سال ۱۴۰۰ کشف شدند. در این مقاله این نقوش و کتیبه‌ها معرفی خواهند شد. شاخص‌ترین نقش شامل یک قیله‌نما است که بر سطح جرز غربی این درگاه کشف شده است. مطالعه کتیبه‌ها نشان از آن دارد که آن‌ها کتیبه‌های دعایی هستند. این مطالعه شامل مستندسازی، خوانش و تفسیر این خطوط و نقوش است و نشان می‌دهد که در این قسمت از آپادانا احتمالاً در سده‌های متقدم اسلامی یک مسجد محلی ایجاد شده بود. این امکان وجود دارد که این بقایا در پیوند با 'مسجد سلیمان' باشد که در منابع متقدم اسلامی، محل آن در تخت جمشید ذکر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تخت جمشید، آپادانا، چهل منار، کتیبه‌ها و نقوش اسلامی، مسجد.

## The Evidence of Solomon's Mosque in the Apadana Hall, Persepolis

Hamed Mowlaei

[Hamed\\_mowlaei@yahoo.com](mailto:Hamed_mowlaei@yahoo.com)

Younes Zare

[yoni\\_apadana@yahoo.com](mailto:yoni_apadana@yahoo.com)

**Abstract:** This article introduces a number of Islamic-era scripts and motifs discovered during the 2021 survey at the northwestern entrance of the Apadana Hall in Persepolis. The most eminent motif is a Qibla compass engraved on the surface of the western pillar of the entrance. The inscriptions seem to be prayers. This paper includes the documentation, reading, and interpretation of inscriptions and graffiti, suggesting that during the first few centuries after Islam a local mosque may have been constructed here. These remains might be related to the "Solomon's Mosque" in Persepolis reported by the early Islamic sources.

**Keywords:** Persepolis, Apadana, Chehel Minar, Islamic Inscriptions and Motifs, Mosque.

### Article Information

Received 18/01/2023

Revision received 20/05/2023

Available online 11/12/2023

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ بازنگری ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

تاریخ دسترسی آنلاین ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

## ۱. درآمد

داریوش) منتشر کرد (مخلصی ۱۳۸۴) که در آن، تمامی نبشته‌های کاخ تچر را بررسی کرده است؛ بررسی نبشته‌های این کاخ به دو قسمت تقسیم می‌شوند؛ بخش نخست به سنگ‌نبشته‌های پیش از اسلام و بخش بعد به کتیبه‌های دوره اسلامی اختصاص دارد. در بخش دوم تعداد ۶۷ کتیبه تاریخ‌دار مربوط به سده‌های مختلف و با خط رایج در هر دوره معرفی شده است. همچنین تعداد ۹ سنگ‌نبشته بدون تاریخ نیز وجود دارند که مشخصات آن‌ها ذکر شده است. کهن‌ترین این کتیبه‌ها به سده چهارم هجری (مورخ سال ۳۱۶ ه.ق) و آخرین آن‌ها به دوره قاجار تعلق دارد. اما مطالعه این کتیبه سابقه طولانی‌تری دارد. نیبور، از دو کتیبه عضدالدوله رونوشت برداشته و در بخش تصاویر سفرنامه خود منتشر کرده، اما رونوشت‌های وی شباهتی به اصل کتیبه ندارد (نیبور ۱۳۵۴: ۲۳۸). در سال ۱۷۹۰ سیلویستر دوساسی موفق به خواندن کتیبه نخست می‌شود (de Sacy 1793: 166 & 168) اما خوانش وی ناقص بود. سپس هرتسفلد کتیبه نخست را به طور کامل قرائت کرد (Herzfeld 1924: 125). در ادامه شیلابلر از دیدگاه تاریخی و زبان‌شناسی دو کتیبه عضدالدوله را مطالعه نمود (Blair 1992: 32-36).

در کنار کتیبه‌ها، نقوش ظریفی هم در جای‌جای تخت‌جمشید شناسایی شده است. بیشتر آن‌ها مربوط به دوره هخامنشی است اما تعدادی هم در دوره‌های بعدی حک شده‌اند. نقوش سوزنی حرمسرا، توسط هرتسفلد طی کاوش‌های تخت‌جمشید شناسایی و معرفی شدند (Herzfeld 1935: 80-81) و پس از آن، افرادی چون اشمیت (Schmidt 1953: 258)، سامی (سامی ۱۳۳۸: ۲۷۶-۲۷۰)، کالمایر (Calmeyer 1976: 64-65)، ابکایی خاوری (Abka'i-Khavari) (2000)، رزمجو (Razmjou 2005) و کالیری (Callieri 2003) به مطالعه و بررسی آنها پرداخته‌اند. در بررسی‌ها و مطالعات پیشین، هیچ اشاره‌ای به خطوط و نقوش موجود بر درگاه شمال‌غربی کاخ آپادانا نشده بود.

## ۳. نام‌های تخت‌جمشید در گذر ایام

این مجموعه بزرگ معماری در سده‌های اخیر با نام تخت‌جمشید معروف شده است، اما نام کهن و اولیه آن پارسه بوده که هم در سنگ‌نبشته‌ای از خشایارشا- شاهنشاه هخامنشی، در دروازه "همه ملت‌ها" (کنت ۱۳۸۴: ۴۷۹) و هم در چندین گل‌نبشته از خزانه و بارو (هلک ج ۲، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۵؛ Cameron 1948: 194-196) ثبت شده است (برای ریشه‌شناسی این نام رک. شاپورشه‌بازی ۱۳۷۶: ۲). در دوره ساسانی نیز آن را با نام "صد ستون" می‌شناختند، چنانکه در سنگ‌نبشته شاهپور سکاانشاه این نام به شکل سدستون (Satistūn) در بند پنجم نوشتار نمایان است (شاپورشه‌بازی ۱۳۵۵: ۶۹۹؛ تفضلی عباس‌علی) ۱۳۷۶: ۹۵؛ دریایی ۱۳۸۰: ۱۱۰). همچنین در الواح عیلامی زمان هخامنشی مشاهده می‌شود که از این مکان به صورت "تالار ستون" یاد شده است؛ به همین علت به نظر می‌رسد این نام تا اوایل

ساخت بنای تخت‌جمشید پس از به پادشاهی رسیدن داریوش اول آغاز شد و تا پایان شاهنشاهی هخامنشی، بناهایی به آن افزوده، بخش‌هایی بازسازی و یا در برخی قسمت‌ها در نقشه اولیه تغییراتی ایجاد شد. بنای تخت‌جمشید پس از تخریب و ویرانی، در دوره‌های بعد دور از نظر نبوده و بخش‌هایی از آن مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. هرتسفلد با کاوش در شمال‌غربی تختگاه تخت‌جمشید، موفق به شناسایی بقایای معماری معروف به معبد فرترکه شد. همچنین از این دوره در کاخ H که روی صفت تخت‌جمشید در جنوب‌غربی تختگاه و در غرب کاخ هدیش قرار دارد، نوع متفاوتی از جان‌پناه دیده می‌شود. تصور بر این است که این آثار متعلق به دوره شاهان محلی فارس هستند. از دوره ساسانی تعدادی نقش سوزنی و سنگ‌نبشته به خط پهلوی ساسانی بر بدنه سنگی کاخ ملکه و کاخ تچر دیده می‌شود. همچنین از دوره‌های مختلف اسلامی در کاخ تچر نقوش و سنگ‌نبشته‌های بسیاری وجود دارد. همه این موارد نشان از آن دارد که ویرانه‌های باشکوه تخت‌جمشید همیشه مورد توجه بوده و پس از ورود اسلام به ایران نیز این مکان همچنان محترم شمرده می‌شده است و آن را با شخصیت‌هایی همچون سلیمان نبی و جمشید مرتبط می‌دانستند. پژوهش حاضر معرفی، خوانش و تفسیر خطوط و نقوش اسلامی است که بر جرز غربی درگاه شمال‌غربی آپادانا کنده شده‌اند. به نظر می‌رسد این کتیبه‌ها و نقوش در ارتباط با یک مسجد محلی بوده که در این قسمت از آپادانا ایجاد شده بود.

## ۲. پیشینه پژوهش

روی بسیاری از جرزها و دیواره‌های سنگی تخت‌گاه پارسه، نبشته‌ها و نقوش بسیاری از دوره‌های پس از هخامنشی وجود دارد. یکی از کاخ‌هایی که بیشترین تعداد سنگ‌نبشته را دارد، کاخ تچر است. تعداد زیادی از این سنگ‌نبشته و نقش‌کنده‌ها به پادشاهان، امیران، حاکمان معروف و بسیاری افراد دیگر از پیش از اسلام تا دوره قاجاریه تعلق دارند. محققان غالباً بر مطالعه خطوط و نقوش کاخ تچر متمرکز بوده و تقریباً دیگر نبشته‌ها و نقوش یا کاملاً از دید پژوهشگران پنهان مانده و یا مورد توجه قرار نگرفته‌اند. میرزا حسن حسینی فسائی از نخستین کسانی است که در *فارسنامه* در توصیف تخت‌جمشید، متن کتیبه عضدالدوله را آورده (*فارسنامه ناصری*، ج ۲: ۱۵۳۶)، اما به جای اشاره به متن دو کتیبه جداگانه، تلفیقی از دو کتیبه عضدالدوله را ذکر کرده است. از تحقیقات جدید، باید به سامی اشاره کرد که تنها به آوردن متن سنگ‌نبشته‌ها بسنده کرده است (سامی ۱۳۴۸: ۴۴). مصطفوی متن هر دو کتیبه را آورده، که تفاوت‌هایی جزئی در قرائت متن در آن دیده می‌شود (مصطفوی ۱۳۷۵: ۳۳۸). خوب‌نظر همان متن میرزا حسن را نقل کرده و توضیحاتی تاریخی را بر آن افزوده است (خوب‌نظر ۱۳۸۰: ۱۱۷). محمدعلی مخلصی در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و پژوهش در دو کتیبه عضدالدوله در تخت‌جمشید"، نخست موقعیت کاخ تچر را در مجموعه پارسه بررسی کرده، سپس به معرفی کتیبه عضدالدوله پرداخته است. همچنین، وقایع تاریخی و حوادث مشروحه در کتیبه را نیز آورده و به اعطای القاب به شاهان آل‌بویه، توسط خلفای عباسی اشاره کرده است (مخلصی ۱۳۸۳). وی یک‌سال بعد کتابی تحت عنوان "پژوهشی در سنگ‌نبشته‌های دوران اسلامی تخت‌جمشید (کاخ

۱- کامرون برای ترجمه واژه *i-ia-an* عیلامی، به طور مقدماتی معادل تالار ستوندار (Columned hall) را پیشنهاد داده است (Cameron 1948: PT: 9, 15, 18, 22). تقریباً در همه متن‌ها نام پارسه (تخت‌جمشید) هم ذکر شده است. مدرک مستندی وجود ندارد که نشان دهد این عبارت به کل تختگاه اشاره داشته است. از آنجایی که برخی از ساختمان‌های روی تختگاه و پایین آن در تخت‌جمشید نام‌هایی اختصاصی چون تچر و هدیش (و آپادانا در شوش) دارند، ممکن است این

حق سبحانه و تعالی حاجات دین و دنیای او برآورده گرداند. ما به این بیت متوجه گشتیم تا زیارت آن مسجد دریا بیم و الله اعلم" (شیراز نامه: ۱۴۴). حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری قمری این بنا را یک بار "عمارت جمشیدی" نام برده و می‌گوید که اکنون مردم آن را "چهل منار می‌خوانند" و اضافه می‌کند که "ارباب الملک گوید که آن ستون‌ها از عمارت خانه هُمای بنت بهمن است و در صور الاقالیم آمده که آن ستون‌ها از مسجد سلیمان پیغمبر (ع) بوده است و شاید که خانه جمشید را سلیمان پیغمبر (عم) یا مسجد کرده باشد و همای خانه کرده و هر سه روایت درست بود" (نزهة/قلوب: ۱۴۵). در تعدادی از کتیبه‌های دوره اسلامی کاخ تچر از "سریر سلیمان" در اشعاری یاد شده است؛ از جمله کتیبه جمال الدین شاه شیخ ابواسحاق اینجو به تاریخ ۷۳۸ ه.ق (مخلصی ۱۳۸۴: ۱۰۱) و میرزا ابراهیم سلطان تیموری به تاریخ ۸۲۶ ه.ق (مخلصی ۱۳۸۴: ۱۲۷) سنگ نوشته‌ای از سلطان علی آق قویونلو به تاریخ ۸۸۱ ه.ق در این کاخ باقی مانده که این آثار را به سلیمان نبی منسوب می‌کند (سامی ۱۳۵۳: ۶؛ مخلصی ۱۳۸۴: ۱۴۸). در کتیبه‌ای دیگر به تاریخ ۱۲۹۴ ه.ق از حاجی سردار علی اکبر در کاخ تچر از عنوان "سریر کیوان" برای تخت جمشید استفاده شده است (مخلصی ۱۳۸۴: ۲۱۷). *فارسنامه ناصری* آنجا که در مورد وقایع شعبان ۹۹۸ سخن می‌گوید، عنوانی جدید و ترکیبی از عناوین گذشته را فقط یک بار برای تخت جمشید به کار می‌برد: "به مرودشت آمد و عمارت چهل مناره جمشیدی و بند امیرعزالدوله را به ملاحظه درآورد" (*فارسنامه ناصری*، ج. ۱: ۴۳۳). همچنین چندین بار در صفحات مختلف این کتاب از عنوان تخت جمشید استفاده شده است. جوزافا باربارو<sup>۳</sup> از نخستین اروپاییانی است که این اثر را دیده و نام چهل منار را برای آن آورده است (باربارو ۱۳۴۹: ۹۷). به نظر مهرداد بهار منشاء پیوند میان ویرانه‌های پارسه با جمشید از بندهش (بندهشن: ۱۹۵ و ۱۹۳) بوده است. شاپور شهبازی، گذاشتن نام تخت جمشید روی این اثر را به دوران اسلامی نسبت می‌دهد. او در این باره می‌گوید: چون آثار ارگ پارسه را به پادشاهان افسانه‌ای مثل جمشید نسبت می‌دادند، نام "قصر جمشید" و "تخت جمشید" دست‌کم از پایان سده ششم هجری رایج شده است (شاپور شهبازی ۱۳۵۵: ۶۹۹).

#### ۴. آثار مسجد سلیمان در تخت جمشید

کاخ آپادانا مشتمل بر یک تالار مرکزی مربع شکل با ابعاد ۶۰/۵ متر × ۶۰/۵ متر، ۳۶ ستون، سه ایوان در سمت شمال، غرب و شرق و چهار برج در چهار گوشه بیرونی و یک رشته اتاق نگهبانی در جنوب است. سطح این کاخ نزدیک به سه متر از کف حیاط آپادانا و کف دروازه ملل بلندتر ساخته شده است (شاپور شهبازی ۱۳۸۹: ۶۶). ایوان‌های شرقی و غربی، هرکدام به وسیله یک درگاه به درون تالار مرکزی راه می‌یافتند که فقط کف آن از سنگ است و شواهدی از جرز سنگی در درگاه‌های ایوان غربی و شرقی وجود ندارد. ایوان شمالی دارای دو درگاه است، یکی در سمت شرق ایوان و دیگری به موازات آن در سمت غرب ایوان ایجاد شده است (تصویر ۱). جرز هر دو درگاه از سنگ ساخته شده است و برخلاف درگاه‌های دیگر کاخ‌های تختگاه پارسه، هیچ نشانی از نقش برجسته روی جرزهای کاخ آپادانا وجود ندارد (Schmidt 1953: 79). دهانه ورودی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا ۵/۳۰ متر، عرض

دوره ساسانی به صورت صد ستون برجای مانده است (دریایی ۱۳۸۰: ۱۱۱) و بعدها به 'چهل ستون' و 'چهل منار' نیز تغییر نام یافته است (شاپور شهبازی ۱۳۸۹).

اصطخری می‌نویسد که: "و به اصطخر مسجدی هست، مسجد سلیمان ابن داوود خوانند" (مسالک و ممالک: ۱۱۰). در نگاه نخست چنین می‌آید که مسجد شهر اصطخر را مسجد سلیمان می‌خواندند اما ادامه مطلب نشان می‌دهد که منظور مسجد شهر اصطخر نیست: "به ناحیت اصطخر بناهای عظیم هست. از سنگ صورت‌ها کرده و بر آنجا نبشته و نگاشته. گویند مسجد سلیمان علیه‌السلام بودست و دیوان ساخته‌اند و مانند آن در شام و بعلبک و مصر هست" (مسالک و ممالک: ۱۳۱). این مطلب توسط ابن حوقل چنین ذکر شده است: "در آنجا مسجدی به نام مسجد سلیمان هست و گروهی از عوام ایران که به تحقیق مطلب نمی‌پردازند چنین می‌پندارند که جم که پیش از ضحاک بوده همان سلیمان است" (سفرنامه/ابن حوقل: ۴۷).

*عجایب‌نامه* متعلق به ۵۹۰ ه.ق کهن‌ترین منبعی است که این محل را با نام "قصر جمشید" خوانده است: "و تاج‌گاه سلیمان بداند کی از عمل دیو است و جایی کی قصر جمشید گویند هزارستونست نهاده از مراحلها ببیند" (*عجایب المخلوقات*: ۴۹۸). در همین کتاب ذکر جالبی از مسجد سلیمان رفته، چنین نوشته شده: "مسجد سلیمان علیه‌السلام بر یک فرسنگی اصطخر است، مسجدی است عالی بتردبان آنجا برشوند، در آن صورت سلیمان علیه‌السلام کرده‌اند و غلامان وی پیش وی صف زده و ده دیوار نگاشته کی روی آدمی دارند و گوش‌فیل و دم اسب و مسجد معظم است و معروف" (*عجایب المخلوقات*: ۱۶۹). در *شیرازنامه* متعلق به سده ۷ ه.ق در این باره چنین آمده "و از جمله غریب عمارتی بود که شاه جمشید در آنجا ساخته بود، صد و چهل ستون بر سر پشته عالی برآورده، و کوشکی بر سر آن‌ها بنا نهادند، طول آن صد و شصت گز، به نوعی که مثل آن در هیچ عهد، هیچ شهریاری نساخته. و اکنون آثاری که از آن کوشک باز مانده آن را چهل منار می‌خوانند، و قدیما آن کوشک بعد از جمشید تختگاه سلاطین و پادشاهان سلف بوده، و بعضی از ائمه مورخان برآند که مقام و مقر سلیمان نبی علیه‌السلام در اصطخر فارس به زمین چهل مناره بوده و در تفسیر آیت: غدوه‌ها شهرو رواحها شهر<sup>۲</sup> در شرح شادروان سلیمان، این صورت نموده‌اند، والعهده علی الراوه" (شیراز نامه: ۲۵). باز در همین کتاب در جایی دیگر می‌نویسد که گفته‌اند، شخصی به اسم شیخ محمد بن یزید عروس گفته عده‌ای از عرفاء بیت‌المقدس به شیراز آمدند، او از دلیل سفر آن‌ها می‌پرسد و آن‌ها در جواب می‌گویند: "ما در بعضی از اخبار خواندیم که در شیراز به طرف حوامه شهر، مسجدی هست که آن را مسجد سلیمان می‌گویند، و در بعضی کوهستان‌ها که در برابر مسجد است، چشمه‌ای هست و آن به چشمه مرغان مشهور است، سلیمان نبی آن مسجد بنا کرده و آن چشمه از آثار قدم او پدید آمده. هرکس که در آن آب وضو سازد و در آن مسجد دوگانه‌ای بگذارد،

عبارت اشاره به تالار صدستون داشته باشد که در زمان خشایارشا در حال ساخت بود و در واقعیت هم جنگلی از ستون داشت. هرچند مدرک مستقیمی وجود ندارد اما دور از ذهن است که ساسانیان به این دلیل به تخت جمشید صدستون می‌گفتند. فرضیه منطقی‌تر آن است که در زمان آن‌ها تعداد زیادی از ستون‌های بناهای مختلف هنوز سرپا بود و این نام از این جهت به آن اطلاق شده باشد. چنانکه در سده‌های میانه اسلامی وقتی تعداد ستون‌های سرپا کمتر شد، نام چهل منار را بر آن نهادند. ۲- سورة سبا، آیه ۱۲.

مرمت جرز به کار رفته و بر کف درگاه ریخته، نمایان نیست. این جمله در دو سطر نوشته شده و واژه اول آن محو شده اما با توجه به ادامه جمله و مقایسه با نوشته‌های دیگر در همین مکان، احتمالاً واژه 'اللهم' بوده و بدین شکل آمده است (شماره ۲ روی تصویر ۲؛ تصویر ۳ پایین):

سطر اول: [اللهم] اغفر لایو ... و لوالدیه  
سطر دوم: ... ل محمد [؟] قاله ...

۳. این جمله به رسم الخط عربی و شیوه کوفی ساده در یک سطر نوشته شده و به نسبت دیگر کتیبه‌ها سالم‌تر باقی مانده است (شماره ۳ روی تصویر ۲؛ تصویر ۴ بالا). این نوشته شامل متن زیر است:

اللهم اغفر محمد بن احمد بن عبدالله المنونی و لوالدیه

۴. این نوشته به رسم الخط عربی و به صورت ضربه‌ای متشکل از ضربه‌های مورب، در سه سطر نوشته شده است. سطر اول و دوم افقی و سطر سوم به صورت عمودی در سمت چپ دو سطر اول نوشته شده است (شماره ۴ روی تصویر ۲؛ تصویر ۴ پایین). سطر اول این کتیبه شبیه قسمتی از بخش نخست کتیبه دوم است.

سطر اول: اللهم اغفر محمد بن احمد  
سطر دوم: (ناخوانا)  
سطر سوم: (سطر عمودی): اللهم ...

### جرز غربی درگاه

روی جرز غربی درگاه، جملات به زبان عربی با مفاهیم بخشش و عفو برخی اشخاص به همراه نام آن‌ها نوشته شده است. کتیبه‌ها به صورت کنده‌کاری با عمق کم و یا به صورت خراشیده ایجاد شده‌اند. متأسفانه به علت شکستگی، ورقه شدن و تخریب بخش‌های زیادی از جرز غربی درگاه، برخی نوشته‌ها غیرقابل خواندن و یا از یک جمله فقط چند واژه قابل خواندن است. در هر صورت مفاهیم نوشته‌ها تقریباً یکسان است و همانگونه که ذکر شد به جز مفاهیم بخشش برای افراد نام‌برده، کتیبه حاوی پیام دیگری نیست.

در مرکز جرز غربی یک نقش دیده می‌شود که به نظر نویسندگان این مقاله نقش یک قبله‌نما است و شرح آن در قسمت بعد خواهد آمد.

سمت چپ نقش مذکور، واژه الله به رسم الخط عربی از نوع کوفی برگ‌دار در اندازه بزرگ نگاشته شده است. در زیر آن، واژه‌ها و حروفی نامفهوم با خطوط ریز به صورت خراشیده دیده می‌شوند (شماره ۵ و ۶ روی تصویر ۲؛ تصویر ۵).

در بخش زیرین قبله‌نما با فاصله اندک در سه سطر به رسم الخط عربی بدون نقطه (شماره ۷ روی تصویر ۲؛ تصویر ۶)، به شیوه کوفی برگ‌دار جمله‌ای نگاشته شده که بخش‌های زیادی از آن شکسته و از بین رفته است. برخی واژه‌ها که قابل خواندن است به این شرح است:

سطر اول: اللهم ما ...  
سطر دوم: و محمد و ...  
سطر سوم: عبدالله ...

در قسمتی دیگر از جرز غربی درگاه، سنگ‌نبشته‌هایی به زبان عربی و باز هم به خط کوفی مشاهده می‌شوند. اما این کتیبه‌ها بسیار بد خط و درهم نوشته شده و بسیار نامفهوم هستند. یک کتیبه در ۶ سطر به صورت نامنظم به صورت خراشیده نوشته شده و از این کتیبه

درگاه ۵/۷۵ متر و ارتفاع باقی مانده از جرزهای سنگی این درگاه ۱۴۳ سانتی‌متر است (تصویر ۱). روی جرزهای سنگی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا، نقوش و علائمی در دوره اسلامی کنده‌کاری شده است. تعدادی از این کتیبه‌ها روی کف سنگی و تعدادی بر جرز غربی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا ایجاد شده‌اند.

با مقدمات بالا زمان آن رسیده که به توصیف آثاری بپردازیم که به نظر می‌رسد بقایای مسجدی در کاخ آپادانا بوده است.

### ۵. کتیبه‌ها و نقوش درگاه شمال غربی آپادانا

#### ۵-۱. کتیبه‌ها

در درگاه شمال غربی آپادانا، کتیبه‌هایی در دو قسمت مختلف وجود دارد: کتیبه‌های روی کف درگاه و کتیبه‌های روی جرز غربی (تصویر ۲).

#### کتیبه‌های کف درگاه

روی سطح کف درگاه در چند نقطه جمله‌هایی به زبان عربی و خط کوفی برگ‌دار<sup>۴</sup> و ساده به روش کنده نوشته شده است. مفهوم این جملات بخشش و عفو برای نام فرد نوشته شده در کتیبه است. به علت قرار داشتن حفاظ بزرگ چوبی روی کف درگاه، فقط کتیبه‌هایی که بیرون از حفاظ و در دیدرس بود، مستند شدند. به احتمال قوی تعداد بیشتری کتیبه روی کف وجود دارد.

کتیبه‌های روی کف درگاه شامل چهار نوشته مجزا از هم هستند:

۱. نوشته‌ای در گوشه شمال شرقی درگاه به رسم الخط عربی و به صورت خراشیده در دو سطر روی کف درگاه حکاکی شده است (شماره ۱ روی تصویر ۲؛ تصویر ۳ بالا).

سطر اول: اللهم اعطی لبعاس الحسن

سطر دوم: ... له ... حمید

۲. جمله‌ای به زبان عربی و خط کوفی برگ‌دار که بخش‌هایی از آن بر اثر فرسایش پاک و بخش‌های از آن زیر ملات سیمانی که جهت

۴- خط کوفی از خط سریانی پدیدار شد که خط حیرتی نامیده می‌شود یعنی منسوب به حیره که شهری قدیمی در مجاورت کوفه است؛ زیرا تغییر و تحول در خط سریانی در حیره رخ داد و پس از بنای کوفه و انتقال قدرت به آنجا بویژه مرکزیت قرار دادن آن به عنوان مرکز خلافت، اسم آن به خط کوفی تغییر کرد (زیدان ۱۳۷۲: ۴۵۲). به هر صورت خط کوفی خطی عربی و حجازی است و باید گفت در کوفه بسط، تکامل و گسترش یافته است. خط کوفی در سده اول به همان صورت ساده خود مبتنی به رسم الخط‌های مکی، مدنی و کوفی نوشته می‌شد و در تزئین آن کوششی نمی‌شد. در اواخر حکومت بنی امیه و بنی عباس خط کوفی از شبه جزیره حجاز فراتر رفت و در سرزمین‌های دیگر مانند ایران، آسیای صغیر، مصر و شمال آفریقا انتشار یافت. در نتیجه کم‌کم قلم‌های دیگری استخراج و انواع مختلفی از آن پدیدار گردید (فضائل ۱۳۹۰: ۱۴۲). با گسترش اسلام و کشورگشایی مسلمانان، خط کوفی به عنوان خط بین‌المللی اسلام به شرق و غرب راه یافت. در ابتدا خط کوفی فاقد نقطه و اعراب بود؛ بنابراین خواندن آن بسیار دشوار و سخت بود. ابوالسود دؤلی، برای تسهیل امر خواندن قرآن، نقطه را وضع نمود (فضائل ۱۳۹۰: ۱۳۴۵؛ ایرانی ۱۳۴۵: ۵۷). سپس خلیل ابن احمد فراهیدی (۱۷۰-۱۰۰هـ. ق) علائمی شامل فتحه، ضمه، کسره، سکون، تشدید، مد، همزه و تنوین پیشنهاد کرد. هرچند کتابت قرآن به صورت اولیه و بدون اعراب و اعجام و یا با نقطه‌های ابوالسودی تا سده ششم نیز کم و بیش به چشم می‌خورد اما این ابتکارات در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به سرعت همه گیر شد. خط کوفی از موضوعات مهم تزئینی در معماری و آثار سایر رشته‌های هنری بوده و دارای شش نوع کوفی ساده، کوفی گوشه‌دار (مغقل)، کوفی برگ‌دار (موزق)، کوفی گل و برگ‌دار (مزهر)، کوفی گره‌دار (مغقد) و کوفی پیچنده (معشق) است که در ایران در حجاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، آجرکاری یا روی اشیاء هنری مانند سفال، فلز، پارچه و دیگر اشیاء به کار رفته است (زمانی ۱۳۵۲: ۲۳).



می تواند دلیل دیگری بر اثبات این موضوع باشد که نقش مذکور به احتمال بسیار زیاد جهت قبله را در این درگاه از کاخ آپادانا به عنوان یک محراب مشخص می کرده است.

### ۶. داده‌ها و شواهد باستان‌شناسی در کاخ آپادانا

در تصاویر قدیمی، قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی، نیمه غربی سطح کاخ آپادانا تقریباً فاقد خاک بوده و سطحی که امروزه مشاهده می‌گردد، پیشتر هم به همین صورت بوده است. جبهه غربی بنا تقریباً بدون نهشت است و خاک پای تختگاه نشان از آن دارد که در طول تاریخ، کاخ آپادانا و کاخ تچر و هدیش بارها مورد دستبرد قرار گرفته و خاک آن را پای تختگاه فروریخته بودند (عطائی ۱۴۰۰: ۳۹۷). در گزارش کاوش کاخ آپادانا چنین نوشته شده است: "محوطه واقع در شمال برج شمال غربی آپادانا بر اثر عوامل طبیعی چنان ویران و خالی از هر چیز شده که از تزئینات کاشی و سنگ‌نیشته‌ها کمترین اثری بر جا نمانده است" (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۱). با توجه به این که از زمان کاوش‌های هرتسفلد اطلاعات جزئی از وضعیت این بخش از آپادانا در دست است (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۱)، این احتمال وجود دارد که برخی عوامل انسانی که سبب جابه‌جایی مواد باستان‌شناختی شده‌اند به اشتباه عوامل طبیعی ذکر شده است.

هرتسفلد در یکی از نامه‌های خود به موسسه شرق‌شناسی نوشته است که موقع خاک‌برداری پای دیوار صفا، در مغرب آپادانا تعداد زیادی آجر مینایی (آجر لعاب‌دار) از زیر خاک بیرون آورده است (همان). وزن قطعات آجرهای مینایی به اندازه‌ای است که آب و باد نمی‌توانسته آن‌ها را بدون این که قطعه‌ای آجر مینایی روی صفا باقی نماند، به پایین صفا منتقل کند. همچنین فاصله دیوارهای مرتفع کاخ آپادانا تا لبه صفا تختگاه به اندازه‌ای بوده که پس از ویرانی به صورت طبیعی برخی از قطعات آجرهای مینایی روی صفا باقی می‌ماند، مگر اینکه این اتفاق به صورت عمدی و توسط انسان انجام گرفته باشد. در قسمت شمالی آپادانا آثار جالبی بدست آمده است که اشمیت در این باره چنین اظهار نظر کرده است: "همچنین بعضی اشیاء متعلق به دوره بعد از هخامنشی در بین خاک‌های که قبلاً در آنجا ریخته شده بود بدست آمده است از قبیل سکه‌های نقره ساسانی زمان اردشیر (۲۴۰-۲۲۶ میلادی) و خسرو دوم مشهور به خسرو پرویز (۶۰۳ میلادی) و سکه‌های آغاز اسلام که به سبک سکه‌های ساسانی بوده است (۶۸۳-۶۸۲ میلادی) و بعضی سکه‌های مسی اسلامی متعلق به دوره‌های بین قرن دوم تا سیزده هجری مقارن با قرن هشتم تا هیجده و نوزده میلادی" (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۲). دو قطعه سفال منقوش شبه‌پیش از تاریخی از نوع سفال‌های دوره اسلامی که در استخر به دست آمده در بین خاک‌های اتاق شماره ۸، از اتاق‌های شرقی انبار، پیدا شده است (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۵).

بنا به گفته اشمیت در قسمت شرقی آپادانا ارتفاع بقایای موجود دیوارها از ۱۵۰ تا ۱۹۰ سانتی‌متر می‌رسد ولی در منتهی‌الیه غربی قسمت مورد کاوش، دیوارها طوری ویران شده است که ارتفاع آن‌ها چند سانتی‌متر بیشتر نیست یا کلاً از بین رفته است (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۲). با توجه به وضعیت موجود آپادانا پس از کاوش و شدت تخریب آثار، عدم وجود بقایای باستان‌شناسی در بعضی قسمت‌های آپادانا و کشف آثار دوره‌های بعد از هخامنشی، بیانگر این نکته است که بنای آپادانا طی دوران بعدی دستخوش تغییرات شده و از آن با عناوین

فقط برخی واژه‌ها به سختی قابل خواندن هستند: اللهم و علی (شماره ۸ روی تصویر ۲؛ تصویر ۷ بالا) است.

سه کتیبه نیز در انتهای جنوبی جرز غربی درگاه دیده می‌شود. این‌ها نیز مانند بقیه کتیبه‌ها به زبان عربی و به خط کوفی نگاشته شده‌اند. کتیبه سمت راست دارای ۴ یا ۵ واژه است. خواندن این متن بسیار دشوار است. احتمالاً واژه نخست آن شبیه دیگر کتیبه‌ها با واژه اللهم آغاز می‌گردد؛ اما تفاوتی که با دیگر کتیبه‌ها دارد این است که پس از واژه اللهم، واژه اعطه به کار رفته است (اللهم اعطه له و ...) (شماره ۹ روی تصویر ۲؛ تصویر ۷ پایین سمت راست). روبروی این کتیبه، دو کتیبه دیگر قابل مشاهده است. کتیبه بالا در دو سطر و دارای ۷ یا ۸ واژه است. عمق حجاری این کتیبه نسبت به دو کتیبه همجوارش بیشتر و از نظر روش نوشتار و شکل حروف کاملاً متفاوت است. این کتیبه هم مانند کتیبه‌های پیشین با واژه اللهم آغاز می‌شود: اللهم اعبد(?) الله من عند ... (شماره ۱۰ روی تصویر ۲؛ تصویر ۷ پایین سمت چپ). در زیر کتیبه آخر نوشته‌هایی به صورت خراشیده قرار دارد که به جز واژه اللهم اغفر بقیه تقریباً نامفهوم و نامشخص است (شماره ۱۱ روی تصویر ۲؛ تصویر ۷ پایین سمت چپ زیر).

### ۲-۵. نقوش

در مرکز جرز غربی این درگاه یک نقش منفرد دیده می‌شود. نقش مذکور شامل یک مستطیل به طول ۳۹ و عرض ۲۷ سانتی‌متر است و ضلع بالای آن حالتی خرپشته مانند دارد و داخل این مستطیل در بالاترین محل آن، شکل یک دایره نامنظم مشاهده می‌شود که در زیر آن دو دایره متقارن با خطوط متصل به هم ترسیم شده است؛ خطوط بیرونی دایره‌ها به مربعی کوچک ختم می‌شوند. این مربع دارای یک پایه به شکل دم چلچله است (تصویر ۵). به احتمال زیاد از درگاه شمال غربی آپادانا به عنوان یک محراب استفاده می‌شده است؛ زیرا نقش مذکور بر روی جرز غربی آن که با اندکی اختلاف رو به قبله است (تصویر ۱) ایجاد شده است. این نقش با توجه به موقعیت قرارگیری و همچنین کتیبه‌هایی که در بخش قبل ذکر آن‌ها رفت به عنوان "قبله‌نما" کاربرد داشته است. از آنجا که قبله‌شناسی از مقدمات نماز است، بر هر مسلمانی شناختن جهت کعبه از مکان نماز خود واجب بوده است. ولی این امر در گذشته، همیشه و برای هر فرد به سهولت و سرعت مقدور نبوده است. مسلمانان در سرزمین‌های مفتوحه و قربان‌گاه مسیحیان، محرابی در جهت قبله می‌ساختند تا شکل و حالت مسجد را پیدا کنند. در ابتدا برای ایجاد محراب یک گودی به نشانه جهت کعبه در دیوار قبله ایجاد می‌کردند اما کم‌کم شکل محراب تطور یافت و به صورت قوس‌ها و کمان‌های گود در وسط دیوار درآمد (تفضلی (احمد) ۱۳۷۶: ۱۲۹). از بناهایی که در دوران اسلامی به مسجد بدل شدند، می‌توان به آرامگاه کوروش بزرگ اشاره کرد. این بنا در دوره اتابکان فارس به مسجد تبدیل شد و دارای یک محراب مفصل و پرکار در داخل اتاق و یک قبله‌نما است که در گوشه جنوبی بر سطح سکوی سوم ایجاد شده است (تصویر ۸). قبله‌نمای مذکور به شکل دایره است و کتیبه‌هایی به خط ثلث دارد؛ در بیرون دایره، داخل یک قاب واژه "قبله" حک شده است (مولایی‌کردشولی و همکاران ۱۴۰۰: ۱۲۷). اطراف نقش قبله‌نمای کاخ آپادانا، کتیبه‌هایی با اسماء مبارکه وجود دارد که این هم

مختلف استفاده شده است.

رنگ سنگ‌ها شده، تأییدی بر این فرض است. آثار تخریب نقوش پلکان شمالی به این شکل است که روی صورت سنگ‌نگاره‌ها با ابزاری شبیه قلم چند شیار عمودی ایجاد شده و بدن سنگ‌نگاره‌ها بدون آسیب است. قصد این کار محو نمودن صورت نگاره‌ها بوده است (تصویر ۹). از آنجا که بازنمایی تصویری موجودات زنده در قرآن به صراحت منع نشده، با وجود این بسیاری از مسلمانان ترسیم چهره‌ها و موجودات زنده را خطر به سوی بت‌پرستی به شمار می‌آوردند و گناه می‌دانستند و تصویرگری جانداران و انسان مورد قبول مسلمانان نبود (Wijdn 2001: 1; Schimmel & Rivolta 1992: 3). با توجه به شیوه تخریب و به دلیل ممنوعیت تصویرگری موجودات زنده در اسلام، تخریب صورت گرفته در پلکان شمالی کاخ آپادانا احتمالاً مربوط به زمانی است که از آن به عنوان مسجد استفاده می‌شده و هدف از این کار فقط محو چهره‌ها و صورت‌های انسانی بوده است. در حالی که هدف جانشین امام قلی‌خان، کاستن از هزینه‌هایی بود که به واسطه دیدار سیاحان اروپایی از تخت‌جمشید، بر وی تحمیل می‌شد. بنابراین تخریب هرچه بیشتر و شکستن سنگ‌نگاره‌ها به این شیوه که باعث خرد شدن بخش‌های مختلف نقوش برجسته در کاخ ملکه، صد ستون و نقاط دیگر با هدف متلاشی کردن و از بین بردن سنگ‌نگاره شده، احتمالاً مربوط به دوره صفوی است.

#### ۷. تاریخ‌گذاری کتیبه‌ها

ویژگی‌های خطوط حک‌شده روی جرز درگاه آپادانا نشان‌دهنده دو سبک مختلف خط کوفی است: کوفی ساده و کوفی برگ‌دار. در کوفی ساده حروف "به صورت اصلی و بدون ملحقات و یا تغییرات است ولی گاهی دسته حروف آن دراز یا پهن می‌شود و با اینکه خود یا زمینه‌اش مزین نیست، می‌تواند یک حاشیه جالب توجه را القاء نماید" (زمانی ۱۳۵۲: ۲۳). در کوفی برگ‌دار دسته حروف "بخصوص الف و لام، در انتهای فوقانی غالباً به یک برگچه سه لبی منتهی می‌گردد" (همان).

قدیمی‌ترین کتیبه دوران اسلامی در تخت‌جمشید در کاخ تچر مربوط به سال ۳۱۶ ه.ق، متعلق به شخصی به نام احمد بن عبدالرحمن است، که حاکی از حضور وی در تخت‌جمشید و طلب مغفرت برای او است (مخلصی ۱۳۸۴: ۵۲). همینطور باید به کتیبه‌هایی که در شهر اصطخر روی قطعات سنگ تراش‌دار وجود دارد اشاره کرد. این کتیبه‌ها که توسط نگارندگان شناسایی گردیده و هنوز منتشر نشده، از نظر نگارش شبیه به نبشته‌های آپادانا است. کتیبه‌های شهر اصطخر که به خط کوفی ساده و برگ‌دار کنده‌کاری شده‌اند شامل بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، واژه الله، تعدادی متن ناخوانا، نام‌ها، جملات با مفاهیم عفو و بخشش و یک تاریخ "اثین و حسین و اربع ماهه" (دویست و پنجاه و چهار) که دوبار تکرار شده، می‌باشد. برای کتیبه‌های درگاه شمال غربی آپادانا که تاریخ ندارند، شاید نتوان تاریخ دقیقی بدست آورد اما به واسطه مقایسه کتیبه‌ها، مضامین و ویژگی‌های فنی خطوط و شناسایی افرادی که نامشان در کتیبه آمده، به صورت نسبی می‌توان تاریخی برای آن‌ها در نظر گرفت. با توجه به مضامین کتیبه‌های آپادانا و مقایسه آن‌ها با کتیبه‌های کاخ تچر، شهر اصطخر و منابع تاریخی سده‌های نخست دوران اسلامی، تاریخ تقریبی اواخر سده سوم ه.ق به بعد پیشنهاد می‌شود. در این زمان بخشی از کاخ آپادانا به یک مسجد تبدیل شده بود.

#### ۸. برآیند

پس از بررسی بخش‌های مختلف کاخ آپادانا، آثار و شواهد استفاده

دیوارهای شرقی و غربی تالار هرکدام دارای درگاهی در وسط است و علائمی مبنی بر اینکه جزوهای آن‌ها سنگی بوده وجود ندارد؛ همچنین در درگاه شرقی بقایای جرزهای خشتی مشاهده شده است (اشمیت ۱۳۴۲: ۷۹). تنها درگاه‌هایی که ایوان شمالی را به تالار اصلی مرتبط می‌سازند از سنگ هستند. این درگاه‌ها فاقد هرگونه نقش بوده و هینز -مهندس معمار هیئت اشمیت- به علت زمان کم فقط درگاه شرقی را بررسی کرده (همان) و اثری از هیچ نقشی را گزارش نکرده است. علت اصلی ایجاد قبله‌نما و محراب در درگاه شمال غربی آپادانا موقعیت و وضعیت این درگاه بوده، چنانکه در هیچ‌کجای آپادانا که رو به سمت قبله بوده و فضای وسیع داشته باشد، جرز سنگی وجود ندارد. یکی دیگر از دلایل وجود مسجد یا نمازگاه در کاخ آپادانا تخریب چهره نقوش برجسته سربازان در پلکان شمالی آپادانا است، اما تخریب و از بین بردن نقوش برجسته تختگاه پارسه، فقط به خاطر وجود مسجدی در آنجا روی نداده است؛ بلکه بسیاری از قطعه سنگ‌های تخت‌جمشید در زمان‌های مختلف توسط مردم و برخی شاهان برای ساخت و ساز بنایی جدید از این محل منتقل شده است. جرج کرزن از قول شاردن می‌گوید: "شاه عباس هم مأمورانی گمارده بود که برای بنای کاخ‌های او از آنجا سنگ بیاورند و باز امام قلی‌خان والی گردن‌فراز فارس همین کار عنیف را برای ابنیه حاکم‌نشین خود در شیراز کرد" (کرزن ۱۳۷۳: ۲۳۱).

همچنین به دلایل مختلفی در زمان برخی حکام و والیان محلی، دستور تخریب سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید صادر شده است. از این دست اتفاقات که سیاحان اروپایی از آن یاد کرده‌اند، می‌توان به دوره صفوی اشاره کرد. ویران‌گرانه‌ترین اقدام در تخریب تخت‌جمشید توسط جانشین امام قلی‌خان رخ داد. حکومت در آن زمان مخارج سفیران و سیاحان خارجی را تا وقتی که درون قلمرو پادشاهی بودند می‌پرداخت و هر منطقه مسئولیت هزینه‌های زندگی و اقامتشان را عهده‌دار بود. به گزارش شاردن، یک‌بار والی فارس پی‌برد که هزینه روستاهای نزدیک به چهل‌منار (تخت‌جمشید) به ویژه اصطخر به طرز عجیبی زیاد است. او فهمید که علت این هزینه‌ها به خاطر سیاحانی است که روزها برای دیدن تخت‌جمشید می‌آمدند و آنجا اقامت می‌کردند. برای همین، گروهی شصت نفره از مقامات رسمی و کارگران را برای محو و تخریب سازه‌های تخت‌جمشید فرستاد که عامل بار مالی سنگین برای او در نظر گرفته می‌شد (Mousavi 2012: 70). کرزن ۱۳۷۳: ۲۳۱). گرچه در دوره صفوی، تخت‌جمشید دچار آسیب‌های فراوانی گردید، اما شاردن تخریب واقعی نقش برجسته‌ها را به فاتحان عرب نسبت می‌دهد (Mousavi 2012: 104).

بیشترین قسمت‌های که آثار شکستگی و تخریب عمده دیده می‌شود در پلکان آپادانا، کاخ ملکه و صد ستون است اما شیوه و آثار تخریب در پلکان شمالی آپادانا با نوع شکستگی در صد ستون و کاخ ملکه متفاوت است. تخریب سنگ‌نگاره‌های کاخ ملکه و صد ستون به این شکل است که صورت، دست و یا بخش‌هایی از بدن سنگ‌نگاره با ضرباتی شکسته و خرد شده و یا برخی قسمت‌های صورت، شکسته شده است (تصویر ۷)، اما نگاره‌های پلکان شمالی آپادانا وضعیتی متفاوت دارند.

در وهله نخست باید متذکر شد که تمام نگاره‌های پلکان شمالی دارای شکستگی نیستند و سنگ‌نگاره‌هایی که در سطوح بالایی قرار داشته، دارای آسیب‌های عمده‌اند و سنگ‌نگاره‌های بخش‌های زیرین سالم هستند (تصویر ۹). این امر احتمالاً به این دلیل است که سنگ‌نگاره‌های بخش‌های پایینی، زیر خاک از دید همه‌گان پنهان بوده و از هجمه ویرانگران دور مانده است. داغ خاک روی نقوش پایین‌تر که باعث تغییر

همانطور که در بالا ذکر آن رفت ویرانه‌های تخت‌جمشید، زمانی به عنوان مسجد سلیمان شناخته می‌شد. آیا کتیبه‌ها و نقوش کشف شده در درگاه شمال‌غربی آپادانا ارتباطی با مسجد دارند؟ این موضوع دور از انتظار نیست. اگر چنین باشد، می‌توان دریافت که چرا در برهه‌ای به تخت‌جمشید مسجد سلیمان می‌گفتند. استفاده از درگاه شمال‌غربی آپادانا به عنوان محل نیایش و نماز در سده‌های اولیه اسلامی، چندان طولانی مدت نبوده است اما هرچه بود، تأثیرش را در ذهن مردم محلی به جا گذاشت. رفته رفته جزئیات از خاطره‌ها رخت برست. خاطره وجود مسجدی در تخت‌جمشید از طریق همین منابع روایی به صورت کلی طوری وارد منابع مکتوب دوره اسلامی شد که گویا کل تخت‌گاه مسجد بوده است: 'مسجد سلیمان'.

از این بنا در دوره‌های بعد نیز قابل مشاهده است و انتظار آن می‌رفت که این بنا همچون بناهای دیگر تخت‌گاه پارسه مورد توجه قرار گرفته باشد، اما به دلیل گذر زمان و تخریب‌های بسیار زیاد در بنای کاخ آپادانا، بخش‌هایی از آن به صورت موردی و در زمان کوتاه مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به شواهد مذکور در زمان‌های پس از ویرانی این بنا، احتمالاً فقط با کنار زدن خاک‌های بخشی از کف آپادانا، از آن استفاده می‌شده است. بقایای تخت‌گاه پارسه پس از ویرانی، از دوره ساسانی با نام صد ستون و پس از آن به چهل ستون و چهل منار و اندکی بعد به مسجد سلیمان و مُلک سلیمان و در نهایت به عمارت جمشیدی و تخت‌جمشید معروف شده است.

### کتابنامه

#### منابع کهن پارسی

بندشمن (فرنبغ دادگی)، گردآورنده: مهرداد بهار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات توس (۱۳۹۵).

سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)، محمد بن علی ابن حوقل، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر (۱۳۶۱).

شیراز نامه، ابوالعاس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زرکوب‌شیرازی، به کوشش دکتر اسمعیل واعظ جواد، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران (۱۳۵۰).

فارسنامه نصری، حاج میرزا حسن حسینی فسائی، ج. اول و دوم، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسائی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۸).

عجایب المخلوقات، محمد بن محمود بن احمد طوسی، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۸۲).

مسالک و ممالک، ابواسحق ابراهیم اصطخری، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۴۰).

نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز، (۱۳۸۱).

#### منابع جدید پارسی

اشمیت، اریش ف.

۱۳۴۲ تخت‌جمشید ۱ (بناها، نقشه‌ها، نبشته‌ها)، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرانکلین-امیرکبیر.

ایرانی، عبدالحمید

۱۳۴۵ پیدایش خط و خطاطان، تهران: انتشارات یساولی.

تفضلی، احمد

۱۳۷۶ تاریخ ادبیات پیش از اسلام، تهران: انتشارات سخن.

تفضلی، عباسعلی

۱۳۷۶ "قبله‌نمای مسجد، محراب"، نشریه دانشکده الهیات و معارف مشهد، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۱۴۴-۱۲۹.

خوب‌نظر، حسن

۱۳۸۰ تاریخ شیراز، تهران: انتشارات سخن.

باربارو، جوزافا

۱۳۴۹ سفرنامه جوزافا باربارو، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران.

دریایی، تورج

۱۳۸۰ "کتیبه شاهپور سکانشاه در تخت‌جمشید"، فصلنامه فرهنگ، تهران، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۱۱۴-۱۰۷.

زمانی، عباس

۱۳۵۲ "خط کوفی تزئینی در آثار تاریخی اسلامی"، ماهنامه هنر و مردم، شماره ۱۲۸، صص ۳۳-۱۵.

زیدان، جرجی

۱۳۷۲ تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کالم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

سامی، علی

۱۳۵۳ "یادبود دیدار پادشاهان از «تجر» کاخ داریوش بزرگ در تخت‌جمشید"، مجله هنر و مردم، شماره ۱۴۸، صص ۱۲-۲.

۱۳۳۸ گزارش‌های باستان‌شناسی، مشتمل بر حفاری و خاک‌برداری و تعمیرات پاسارگاد و تخت‌جمشید از سال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۳۸ خورشیدی، جلد چهارم، چاپ موسوی، شیراز.

۱۳۴۸ پارسه (تخت‌جمشید)، شیراز.

شاپور شهبازی، علیرضا

۱۳۵۵ شرح مصور تخت‌جمشید، بنیاد تحقیقات هخامنشی، تهران.

۱۳۷۶ "کهن‌ترین توصیف تخت‌جمشید در زبان فارسی"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ ۱۲ (۱ و ۲): صص ۵-۲.

۱۳۸۹ راهنمای مستند تخت‌جمشید، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد، تهران: انتشارات سفیران.

عطائی، محمدتقی

۱۴۰۰ "بن‌نبشته‌های آپادانا"، فصلنامه هوای بیداری، شماره دوازدهم، صص ۴۲۸-۳۹۶.

فضالی، حبیب‌الله

۱۳۹۰ اطلس خط، تهران: انتشارات سروش.

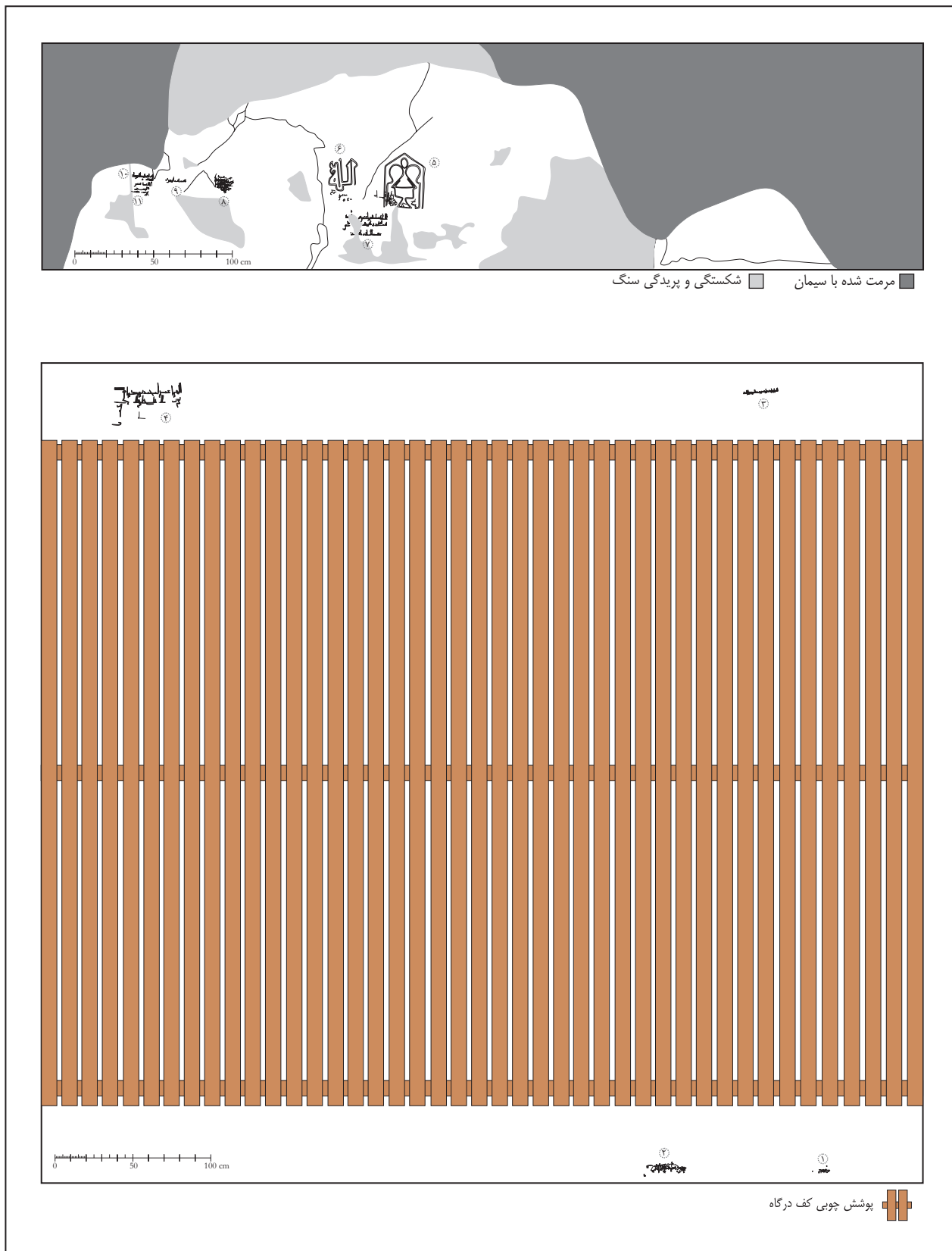
- کرزن، جرج  
۱۳۷۳ *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی، کنت، رولاند گ.
- ۱۳۸۴ *فارسی باستان (دستور زبان، متون، واژه‌نامه)*، ترجمه و تحقیق سعید عربان، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی.
- مخلصی، محمدعلی  
۱۳۸۳ "بررسی و پژوهش در دو کتیبه عضدالدوله در تخت‌جمشید"، *مجله اثر*، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۹۲-۱۰۲.
- ۱۳۸۴ *پژوهشی در سنگ‌نبشته‌های دوران اسلامی تخت‌جمشید (کاخ داریوش)*، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی.
- مصطفوی، سید محمدتقی  
۱۳۷۵ *اقلیم پارس*، تهران: انتشارات اشاره.
- مولایی‌کردشولی، حامد، فرهاد زارع‌کردشولی و حمیدرضا کرمی  
۱۴۰۰ "یادگاری‌های آرامگاه کوروش بزرگ"، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه ۵* (۱۷): صص ۱۱۱-۱۳۲.
- نیبور، کارستن  
۱۳۵۴ *سفرنامه نیبور*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات توکا.
- هلک، ریچارد ت.  
۱۳۹۵ *نگارنشته‌های باروی تخت‌جمشید (متن‌های A-G)*، جلد دوم بخش یک، ترجمه و ویرایش عبدالمجید ارفعی، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری با همکاری مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

## منابع غیرپارسی

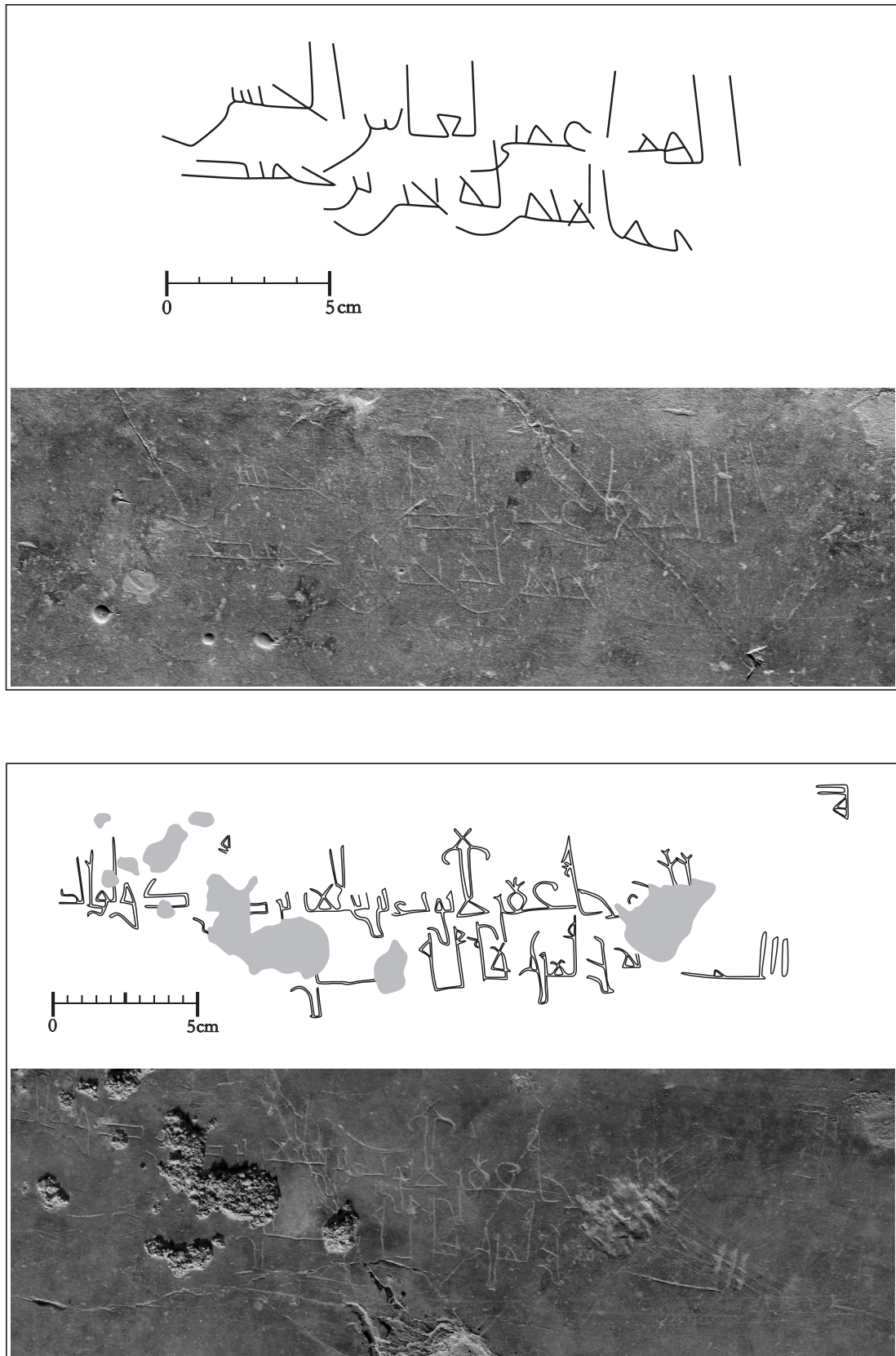
- Abka'i-Khavari, M  
2000 *Das Bild des Königs in der Sasanidenzeit*, (Texte und Studien zur Orientalistik, 13), Hildesheim-Zürich-New York.
- Blair, S. Sh.,  
1992 *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, New York: Leiden, Koln: Kobenhavn.
- Callieri, P.,  
2003 "At the Roots of the Sasanian Royal Imagery: the Persepolis Graffiti", in *Eran ud Aneran: Studies Presented to Boris Ilich Marshak on the Occasion of His 70th Birthday*, eds.: M. comparetti, P. Raffetta, & G. Scarcia, Transoxiana Webfestschrift 1 (<http://www.transoxiana.org/eran/articles/callieri.html>).
- Calmeyer, P.,  
1976 »Zur Genese altiranischer Motive, III. Felsgräber (Korrektur). IV. "Persönliche Krone" und Diadem, V. Synarchie«, *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, N.F. 9, pp. 45-95.
- Cameron, G. G.,  
1948 *Persepolis Treasury Tablets*, Chicago: The University of Chicago Press.
- de Sacy, S.,  
1793 *Mémoires sur diverses antiquités de la Perse, et sur les médailles des rois de la dynastie des Sassanides Suivis de l'histoire de cette dynastie, traduite du persan de Mirkhond*, paris: de l'Imprimerie nationale exécutive du Louvre.
- Herzfeld, E. E.,  
1924 *Paikuli. Monument and Inscription of the Early History of the Sasanian Empire*, 2 vols., Berlin.
- 1935 *Archaeological History of Iran*, London.
- Mousavi, A.,  
2012 *Persepolis; Discovery and Afterlife of a World Wonder*, Walter de Gruyter, Inc., Boston/Berlin.
- Razmjou, SH.,  
2005 "In search of the lost Median art", *Iranica Antiqua* XL, pp. 272-314.
- Schmidt, E. F.,  
1953 *Persepolis I: Structures, Reliefs, Inscriptions*, University of Chicago, Oriental Institute Publications, Chicago.
- Schimmel, B. and A. Rivolta  
1992 "Islamic Calligraphy", *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 50(1).
- Wijdan, A.,  
2001 "From the literal to the spiritual. The development of the Prophet Muhammad's portrayal from 13th century Ilkhanid miniatures to 17th century Ottoman art", *Proceedings of the 11th International Congress of Turkish Art*, Utrecht- The Netherlands.



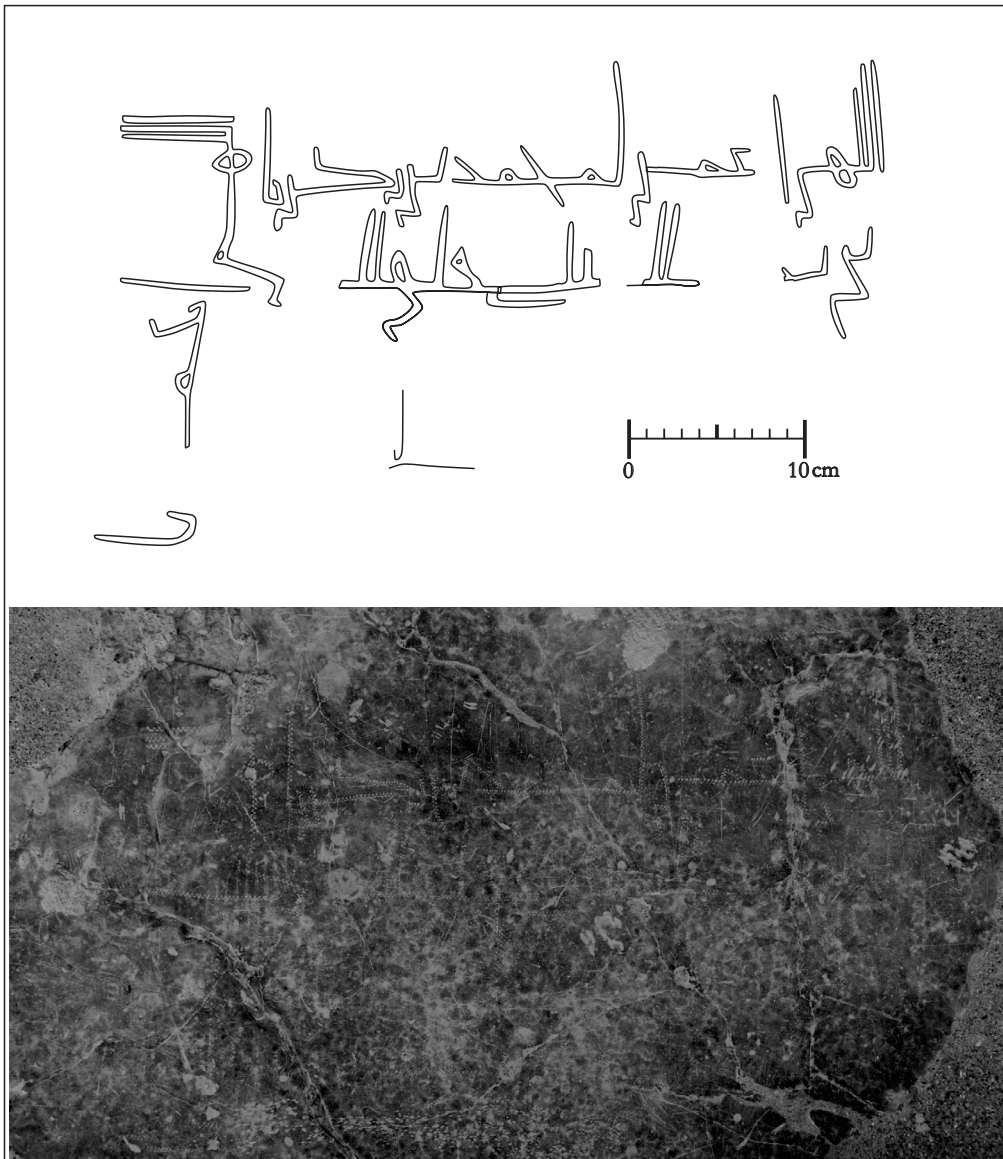
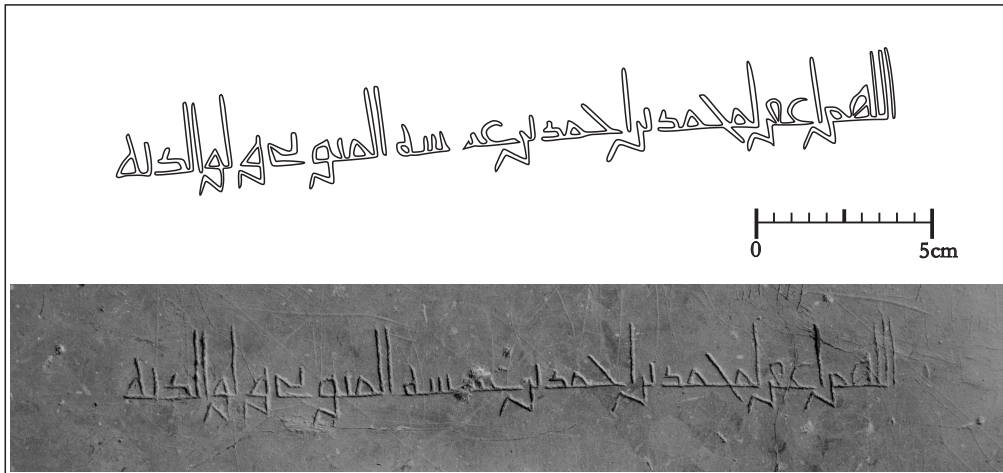
تصویر ۱: موقعیت درگاه شمال غربی کاخ آپادانا و جهت قبله نسبت به کاخ آپادانا (عکس: بایگانی تخت جمشید، تاریخ عکس ۱۳۸۰).  
Fig. 1: The northwestern entrance of the Apadana Hall and the Qibla direction (© Persepolis Archive, imagery date 2002).



تصویر ۲: موقعیت کتیبه‌ها روی کف و جرز غربی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.  
Fig. 2: The inscriptions on the floor and western pillar of the northwestern entrance of the Apadana Hall.

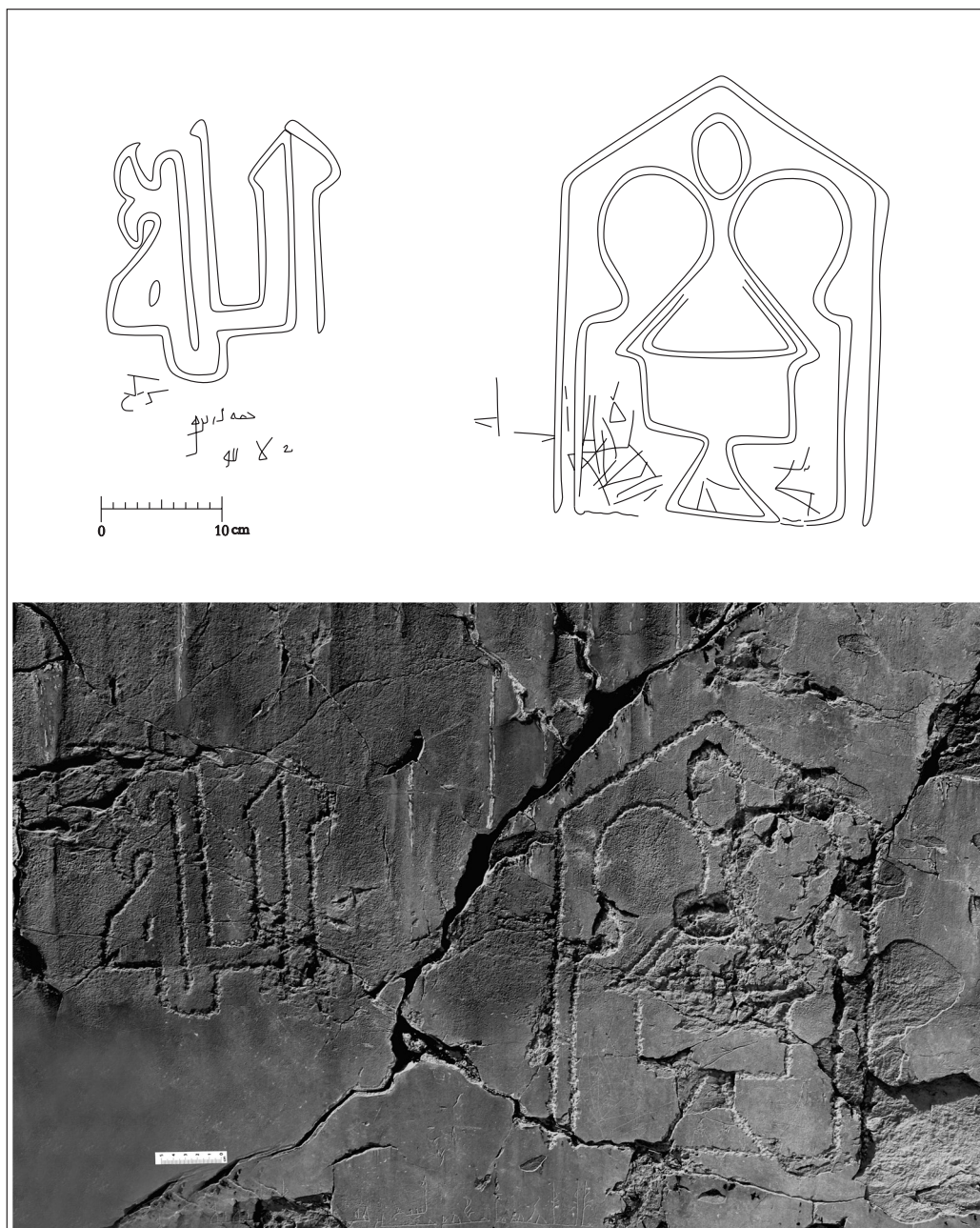


تصویر ۳: کتیبه ۱ و ۲ روی کف درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.  
Fig. 3: Inscriptions 1 and 2 on the floor of the northwestern entrance of the Apadana Hall.



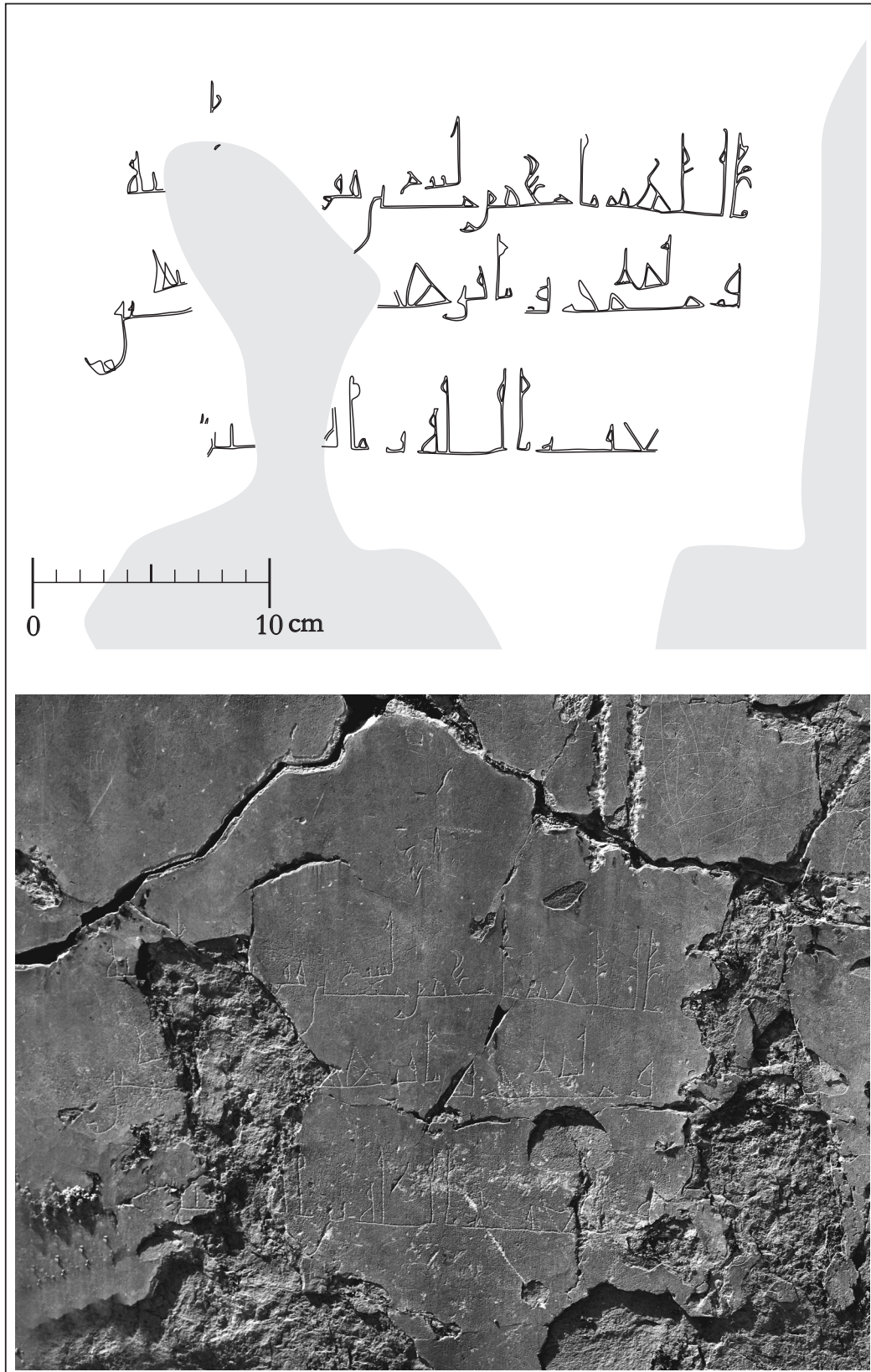
تصویر ۴: کتیبه ۳ و ۴ روی کف درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.  
Fig. 4: Inscriptions 3 and 4 on the floor of the northwestern entrance of the Apadana Hall.



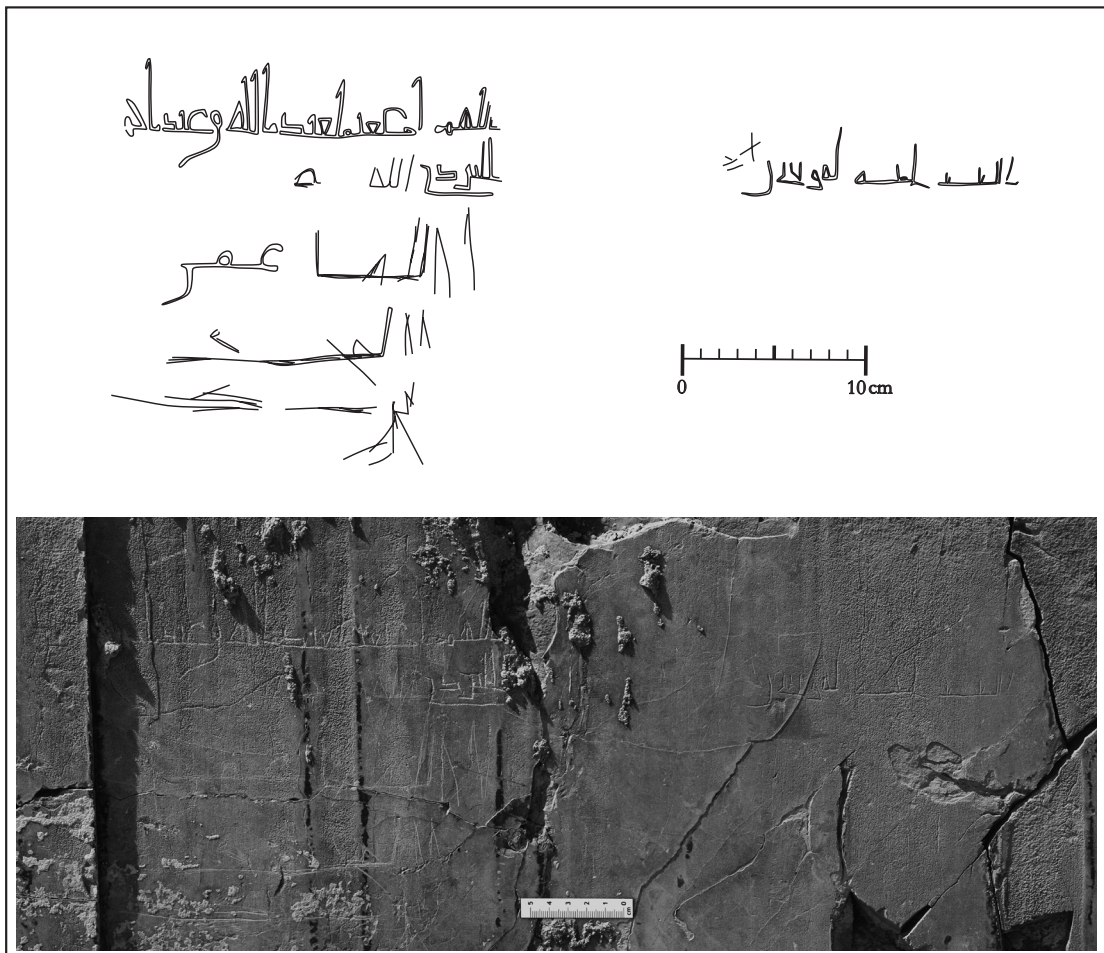
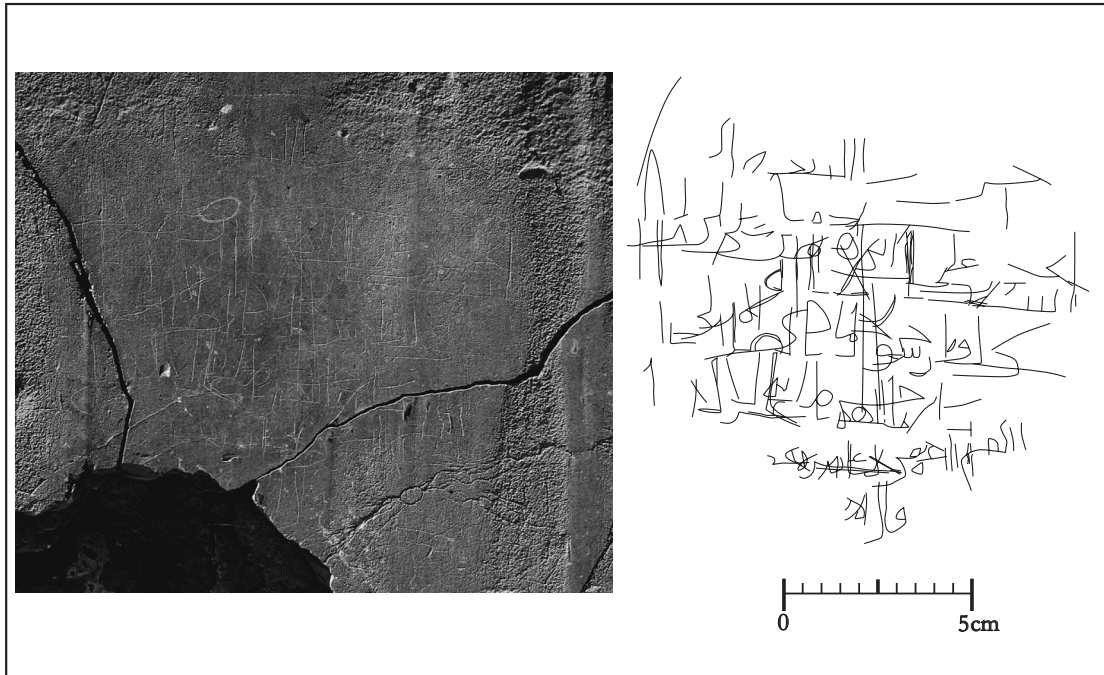


تصویر ۵: قبله‌نما و کتیبه کنار آن روی جرز غربی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.

Fig. 5: The Qibla compass and its adjacent inscription on the western pillar of the northwestern entrance of the Apadana Hall.



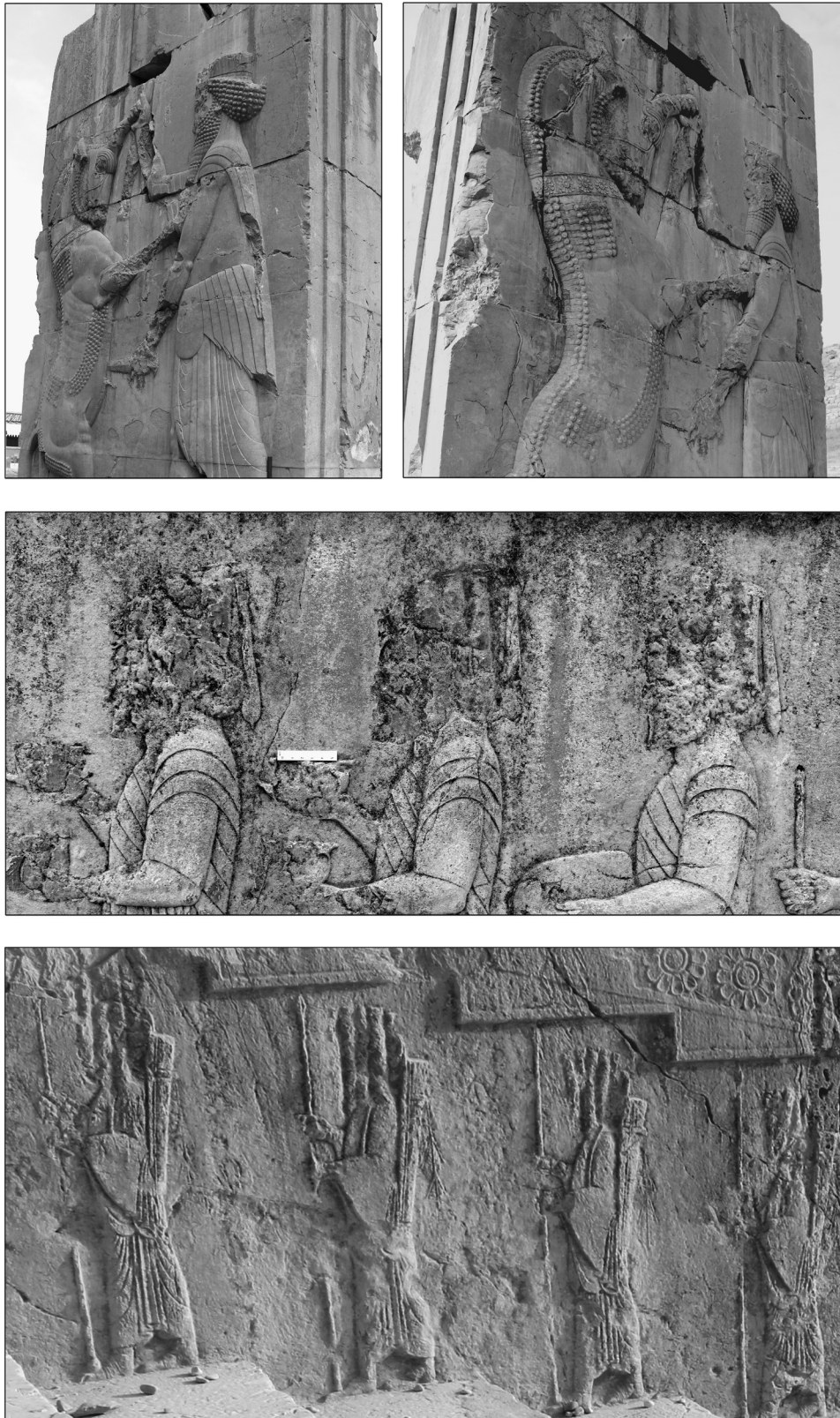
تصویر ۶: کتیبه ۷ روی جزر غربی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.  
Fig. 6: Inscription 7 on the western pillar of the northwestern entrance of the Apadana Hall.



تصویر ۷: کتیبه‌های ۸ تا ۱۱ روی جزز غربی درگاه شمال غربی کاخ آپادانا.  
Fig. 7: Inscriptions 11-8 on the western pillar of the northwestern entrance of the Apadana Hall.



تصویر ۸: قبله‌نما بر روی سومین سکوی آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد.  
Fig. 8: The Qibla compass on the third tier of the Tomb of Cyrus the Great, Pasargadae.



تصویر ۹: تخریب صورت، دست و بخشی از بدن سنگ‌نگاره‌ها احتمالاً در دوره صفوی (بالا) و تخریب نظامند نقش برجسته‌های جبهه غربی پلکان شمالی آپادانا زمانی که از آن به عنوان مسجد استفاده می‌شد (وسط و پایین).

Fig. 9: Top- The destruction of the face, hand, and parts of the body of the rock relief, probably during the Safavid period, Middle and Bottom- As a result of the Hall's use as a mosque, the rock relief on the western wing of the northern staircase of the Apadana Hall is believed to have been systematically destroyed.

## نشانی شبکه‌های ارتباطی جدید «جامعه باستان‌شناسی ایران»

از علاقمندان و اعضای محترم «جامعه» خواهشمندیم که برای پیگیری اخبار و فعالیت‌های «جامعه» تنها با مراجعه و پیوستن به نشانی‌های رسمی کنونی اقدام نمایند. به جز نشانی‌های زیر تمام کانال‌ها و صفحات با نام‌های مشابه جعلی است.

تارنمای رسمی «جامعه»:

<https://iranianarchaeology.org>

صفحه آکادمیای رسمی مجله جامعه باستان‌شناسی ایران:

<https://independent.academia.edu/SocietyforIranianarchaeologySIA>

نشانی برای ارسال مقاله به «مجله جامعه باستان‌شناسی ایران»:

[josia-publication@googlegroup.com](mailto:josia-publication@googlegroup.com)

نشانی کانال تلگرام «جامعه»:

<https://t.me/SocietyIranianArchaeology>

نشانی «جامعه» در اینستاگرام:

[@jameehbastanshenasiiran](https://www.instagram.com/jameehbastanshenasiiran)

صفحه فیسبوک رسمی «جامعه»:

<https://www.facebook.com/SocietyforIranianArchaeology>

کانال یوتیوب رسمی «جامعه»:

<https://www.youtube.com/channel/UC8sln9wkrm94-itHfeRJDkQ>

صفحه رسمی «جامعه» در شبکه X (توییتر سابق):

[@SIA\\_Jameeh](https://twitter.com/SIA_Jameeh)

تماس با هیئت مؤسس «جامعه»:

[founders-SIA@googlegroups.com](mailto:founders-SIA@googlegroups.com)

تماس با هیئت مدیره «جامعه»:

[director-sia@googlegroups.com](mailto:director-sia@googlegroups.com)

تماس با بخش روابط عمومی «جامعه»:

[PublicRelations-sia@googlegroups.com](mailto:PublicRelations-sia@googlegroups.com)

تماس با بخش عضویت «جامعه»:

[Membership-sia@googlegroups.com](mailto:Membership-sia@googlegroups.com)



2023 / ۱۴۰۲